

درد آتشین به دلاوران ویت نام جنوبی که بار دیگر امپریالیسم امریکا و چاکرانش را بسا ضربات جانانه خود میکوبند!

پنجاهمین سالگرد تأسیس انترناسیونال کمونیستی

و ناسیونالیسم سران انترناسیونالیسم دوم و اتحاد تمام نیروهای سالم جنبش کارگری را بر پایه مبارزات کسب و تولید آنها به احزاب طراز نوین را ضرور میدانست. در ژانویه سال ۱۹۱۹ جلسه مشاوره‌ای تحت رهبری لنین بشرکت نمایندگان احزاب دنباله در صفحه ۲

بر وفق نیازمندیها و وظائف جنبش انقلابی کارگری پدید آمد. پس از پیروزی اکتبر بزرگ جنبش کارگری و جنبشهای آزادی بخش ملی در سایر کشورها اوج گرفت و بر بنیاد آن تشکیل احزاب کمونیست آغاز گردید. لنین برای پیشرفت و پیروزی انقلاب مبارزه آشتی ناپذیر با اپورتونیسم، شوینیسم

پنجاهمین سالگرد تأسیس انترناسیونال کمونیستی واقعه برجسته‌ای در تاریخ جنبش انقلابی جهانی است. انترناسیونال کمونیستی یا کمیترون سازمان جهانی احزاب کمونیست و کارگری بود که در شرایط تاریخی مشخص

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

کنگره جهانی زنان

گذرگه جهانی زنان بدعوت فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان از ۱۴ تا ۱۸ ژوئن ۱۹۶۹ در هلسنکی تشکیل میشود. این کنگره که هم اکنون از طرف زنان جهان در سراسر دنیا با شور و هیجان تدارک میگردد توجه اساسی خود را به نقش زن در دبای امروز معطوف داشته سعی مینماید اشکالاتی که شرکت زن را در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مانع میگردد به بحث گذارده برای تسهیل امور زندگی زن و تساوی کامل با مرد در تمام شئون و مسائل مؤثر و قاطع یافته و اقداماتی اساسی مینماید دارد.

علاوه بر گزارش اصلی که بوسیله دبیر کل فدراسیون داده خواهد شد و همان زن در دبای معاصر است گزارشهای دیگری در باره وضع زن در زندگی خانوادگی، اجتماعی، زنان کارگر و همدردی با زنان و کودکان ویتنام داده خواهد شد. کنگره زنان برای تساوی حقوق زن و مرد، تعلیم و تربیت مساوی با مرد را یکی از شرایط اولیه میدانند و بدین سبب توجه زنان جهان را به مبارزه با عدم تساوی در امر آموزش و بخصوص آموزش تخصصی و در کشورهای در حال رشد به مبارزه با بسوادگی جاب میکنند. برای تدارک این کنگره وسیع و مسائل و مشکلاتی که دامنگیر زندگی زن است تاکنون چندین سمینار تشکیل شده که از جمله سمینار مغولستان و نیز سمینارهای مکزیک و شیلی در باره وضع عمومی زنان امریکای لاتین میباشد.

هیئت از طرف فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان برای بررسی وضع زنان آسیایی به هندوستان، افغانستان، نیپال و سیلان سفر کرد و پس از مطالعه وضع آن کشورها در نظر گرفت که مراکز آموزشی و کمکی در چند کشور آسیایی تشکیل دهد که در این مراکز علاوه بر مبارزه با بیسوادی و تعلیم کادرهای آموزشی کتابخانه مخصوص زنان و کلاسهای تخصصی مامائی و خیاطی و غیره نیز شروع بکار خواهند کرد. فدراسیون با تمام نیرو به مبارزه زنان دنباله در صفحه ۵

نظری به مناسبات اعراب و اسرائیل و بحران خاور میانه

هدفهای توسعه طلبانه اسرائیل

بحران خاور میانه که مولود تجاوز اسرائیل به پشتیبانی امپریالیسم امریکا و آلمان غربی به کشورهای عربی است، همچنان ادامه دارد و صلح جهانی را تهدید میکند. ۲۱ ماه است که اسرائیل با جنگ تجاوز کارانه خود قسمتهای مهمی از خاک مصر و سوریه و اردن را اشغال کرده و با وجود دخالت سازمان ملل متحد و قبول آتش بس از طرف اسرائیل مکرر و باشکال مختلف با اقدامات تجاوز کارانه خود ادامه داده و میدهد. حملات دائمی هوایی و زمینی ببلخ اردن، بمباران حومه شهر دمشق، عملیات گسترده در فرودگاه بیروت، حملات متعدد با ساحل غربی کانال سوئز نمونه هائی از اینگونه اقدامات است. چنین پیداست که تندترین محاربتی اسرائیل نه تنها قصد تصاحب دائمی زمینهای اشغالی را دارند، بلکه نقشه های توسعه طلبانه دیگری نیز در مغز خود طرح کرده اند که در فرصت مناسبی آنها را اجرا نمایند. سیاست اسرائیل در مناطق

اشغالی شبیه بهمان سیاستی است که برای راندن اعراب از خاک اصلی فلسطین بکار بردند. ترور، تخریب، مصادره، قتل عام، آتش زدن خانه ها، محلات و قراه از جمله وسائلی است که اسرائیل برای راندن اعراب از زاد بومشان بکار مینماید. هم اکنون قریب دو میلیون نفر عرب در مناطق اشغالی و بیابانهای مجاور فلسطین پریشان و سرگردان و بلا تکلیف بنا بودی تهدید میشوند. صهیونیست ها که روزی بنام دفاع از قوم یهود علیه فجاج فاشیست های هیتلری ناله و ندبه و استغاثه میکردند، اکنون خود بهمان شیوه های فاشیستی دست میزنند. کسانی مانند موشه دایان با پشتیبانی ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی امریکا و آلمان غربی پیروی نظامی اسرائیل را از لحاظ کمی و کیفی چنان مسلح میکنند که گوئی قصد تصاحب تمام خاور میانه را دارند. تحویل پنجاه فروند هواپیمای فانتوم امریکائی با اسرائیل همکاری آلمان غربی با اسرائیل برای تهیه کردن دنباله در صفحه ۴

برخی جوانب مبارزات زنان ایران در راه برابری حقوق

جنبش زنان ایران، پیشینه‌ای دراز و افتخار آمیز دارد. دیروز و امروز آغاز نشده است راه دشواری را از میان سدهای سدید مقاومت ارتجاع و امپریالیسم، خرافات مذهبی، آداب و رسوم، کهنه، جهل و کژ اندیشی محیط گذرانده و هنوز هم مجاهدات فراوانی را توأم با انواع پای بندها در پیش دارد. برای طی این راه و عبور از موانع بدون تردید کار وسیع توضیحی، تشکل روز افزون، انتخاب شعارهای تجهیز کننده و ارائه هدف روشن و مشخص ضرور است. حزب مابینا به یک حزب پیشرو، از آغاز پیدایش خود با روشن بینی یک حزب مارکسیست - لنینیست

توجه خاص به اهمیت مبارزه زنان چه در عرصه صنفی برای تأمین حقوق اجتماعی و اقتصادی و چه در عرصه سیاسی برای مبارزه علیه استعمار و ارتجاع داشته است. مبارزات درخشان ۲۷ سال پیش حزب ما بعنوان تنها سازمان سیاسی متشکل و نیرومند مسئله تساوی حقوق زن و مرد را مطرح کرد. شعارهای مترقی حزب ما در این زمینه از آنجهت که از واقعیت زندگی زنان منشاء میگرفت در اندک زمانی هزاران دنباله در صفحه ۵

نوروز ۱۳۴۸

سال طی شد و نوروزی دیگر رسید. این جشن دیرینسال ملی ما که با شکوفگی و بیداری طبیعت همراه است. یکی از زیباترین دلانگیزترین و طربیبی - ترین جشنهای جهانست و آنرا علاوه بر خلق های میهن ما، خفتهای دیگر نیز میشناسند و بر پا میدارند. روشن است در جامعه‌ای مانند جامعه ایران که آنرا تنگناقتضات شدید طبقاتی، پرتنگاه مذهب از فقر و فقرات از هم میدرد، فرشته نوروز یکسان در گناها و گناه ها فرود نمینماید. جشنی پر عشرت، جشنی دیگر بر سر حسرت میانمیزاید. ولی ما بهر حال در این جشن برای زحمتکشان کشور خود آرزو مند و مشتاق سرنوشتی هستیم که با آنهمه فداکاریهای دیروزی و پیایداریهای امروزی بحق براننده آید. بویژه در این روزها دلهای ما نزد زندانیان سیاسی است که در همه زندانهای کشور بخاطر عقاید خویش در بندند. ما با آنها و بخاتواده های آنها که بار فراق عزیزان خود را بردل دارند، درود میفرستیم و خود را در آرزوی دیدار آنها شریک میفرستیم. بهمانسان که زمستان دمسرد طبیعت را در جام نیست و بهار گرمی بخش را از پی دارد. شب استبداد نیز همواره نخواهد پایید و بامداد آزادی واقعی مردم زحمتکش کشور ما در خواهد دیدید. در این هنگام عید حقیقی در کورچه ها و خانه های محقر ما نیز پالی خواهد نهاد. هیئت تحریریه ماهنامه «مردم» بمناسبت جشن نوروز باستانی سال ۱۳۴۸ بهمه مبارزان ضد رژیم «بهمه» رفقای حزبی و هواداران حزب از صمیم قلب شادباش میگردد و تندرستی و بهروزی آنها را آرزو مند است. هیئت تحریریه مردم

انتخابات انجمنهای دانشجویی چگونه برگزار شد؟

مدت دو سال دانشجویان بخاطر تحقق هدفهای صنفی برای بدست آوردن ابتدائی ترین حقوق دانشجویی مبارزه کردند. رژیم با تمام امکانات خود با دانشجویان مقابله نمود. گروه گمراه بزدان فرستاد، ده ها نفر را روانه سرباز خانه ها نمود و گرفتارهای دیگری ایجاد کرد، ولی توانست جنبش دانشجویان را درهم شکند. مخالفین جنبش دنباله در صفحه ۵

با ایمانی محکم بسوی آینده

(انقلاب علمی و فنی و دودنمای تحول اجتماعی جهان)

خوش بینی انقلابی

خوش بینی و ایمان بآینده خصیصه مبارزان انقلابی است. این خوش بینی پنداری و غامبه نیست، بلکه بر مبنای علم و واقعیت متکی است. این يك ایمان کور و تعبدی نیست، بلکه بر درك آگاهانه قوانین حرکت اجتماع، بر باور به نیروی آفریننده انسانها متکی است. يك مبارز انقلابی در تاریکترین پیچ های حوادث باور بی ترس و لرزش خویش را بظرف مندی نهائی امر حق، امر توده ها، امر سوسیالیسم و کمونیسم هرگز از دست نمیدهد و دشواریها و شکست های گذرا، آفت دید او را تیره نمیسازد. سفسطه های «عالمانه» او را گمراه نمیکند.

پایه های عینی خوش بینی انقلابی

خوش بینی و ایمان ما به آینده در شرایط کنونی مبتنی بر این واقعیت عیان است که هم در عرصه رشد قوای مولده و هم در عرصه مناسبات تولید تحولاتی روز بروز سریعتر و قویتر بسود سوسیالیسم و بزبان سرمایه داری بعنوان يك فرامسیون منسوخ اجتماعی در جریان است؛ در عرصه رشد قوای مولده ما با انقلاب

علمی و فنی بنظیری زور و هستیم؛ دست یافتن بر انرژی آتمیک و هسته ای، تکنیک راکت و کیهان نوردی، اوتوماسیون و سمپلر تیک، شیمی پویلمرو آزیما، کشف قوانین و ساختمان درونی پاخته های اژدی و غیره و غیره از جمله بخشهای مختلف این انقلاب علمی و فنی است. هیچ دانشی اعم از طبیعی و اجتماعی نیست که طی دهه های اخیر دستخوش تحولات عمیقی نشده باشد. معرفت ما نسبت به قوانین طبیعت و جامعه بشکل تضاعبی در حال افزایش است و حجم معلومات ما نسبت به چند دهه پیش چند برابر شده است.

این انقلاب علمی و فنی، بویژه نقشی که اوتوماسیون روز افزون و دخالت کومپوترها (یا ماشینهای منجاسه الکترونیک) در تنظیم و اداره تولید بازی میکنند، به آنجا رسیده که علم بیکی از قوای مولدیه تبدیل شده و مسئله پیروزی در عرصه انقلاب علمی و فنی به یکی از مرکزی ترین وظایف بدل گردیده است.

مسئله اینجاست که جوامع سوسیالیستی رغبت داشتن رهبری متمرکز و علمی، اجتماعی بودن تولید و مالکیت، سمت انسانی مصرف عمومی، رها بودن از بجزرانه ها و افت های ادواری و هرج و مرج تولید، فارغ بودن از مخارج بیهصرف و عدم تعادل اجتماعی و مبارزات آشتی ناپذیر طبقه ای، همه گونه شانس را دارند که در عرصه انقلاب علمی و فنی بر حریف سرمایه دار کلام بکام به پیروزی قطعی نائل آیند. اینکه اتحاد شوروی در مدتی کوتاه، علیرغم مصائب عظیم جنگها، توانست بیکی

از دو قدرت درجه اول جهانی بدل شود، نخستین دولتی باشد که راه بر کیهان گشوده ایستگاه برق آتمیک ساخته، اولین هواپیمای جت و سپس اولین هواپیمای ماوراء صوت مسافری را ایجاد کرده، دارای بزرگترین ایستگاه برق آبی و بزرگترین دستگاه مسرعه پروتونی جهان است و در فیزیک و ریاضیات جای نخستین را دارد و چهار برابر ایالات متحده امریکا مهندس تربیت میکند و غیره، خود بهترین نوآر امکانات شکر ف سوسیا لیسم است که علیرغم محرومیت ها، عقب ماندگی ها، نیرومند ترین حریف سرمایه داری را پشت سر گذاشته است.

اتحاد شوروی در جاده اوج

نیل به نخستین مقام در زمینه عرصه های قاطع علم و فن، برای سوسیالیسم و بویژه اتحاد شوروی طی چند دهه آینده امری است مسلم. دلیل آن دستاورد های عظیم گذشته است. دلیل آن آهنگ رشد در زمینه اقتصاد و فرهنگ است که از آهنگ رشد کشورهای سرمایه داری سریعتر و ثابت تر است. دلیل آن وجود مخملهای طبیعی فوق العاده مساعد رشد سریع است. اگر صلح جهانی حفظ شود، که امروز عوامل متعددی برای حفظ آن وجود دارد، در آن صورت این پرسه ناگزیر بدون انحراف و نوسان پیش خواهد رفت و نخستین کشور سوسیالیستی جهان به نیرومندترین جامعه صنعتی و علمی آینده بدل خواهد گردید. این امر در سرنوشت سوسیالیسم در جهان و از آنجمله در سرنوشت جنبش انقلابی کشور و میهن ما آنچنان تأثیرات ژرفی خواهد داشت که نه فقط تک کمونیست بلکه حتی هر میهن پرست دیگر ایرانی میتواند آنها را در نظر بگیرد.

بر ریهائی جامعه نوین

اما تنها در زمینه رشد قوای مولده نیست که سوسیالیسم برتری خود را ثابت میکند. عرصه قاطع عرصه مبارزات طبقه ای است. سرمایه داری قادر نیست بخواسته های مردم جهان در باره ایجاد يك جامعه متحد جهانی فارغ از جنگ و استثمار، استثمار، جهل و فقر و خرافه پاسخ مثبت دهد. سوسیالیسم (یعنی مالکیت اجتماعی ابزار تولید، رهبری آگاهانه و نقشه ای سپر اجتماع، حاکمیت مردم بر آتمیک، خلق رهبری طبقه کارگر، تسلط راسیونالیسم علمی) تنها و تنها پاسخ و حل صحیح به خواسته های این دوران معظم تاریخی است. سوسیالیسم بدین معنای روشن و صریح خود طی مبارزات طبقه ای گاه خونین و گاه بیخون، گاه قهر آمیز و گاه مسالمت آمیز، سرانجام در مقیاس جهانی پیروز خواهد شد و این پیروزی يك تحول انقلابی در تاریخ انسانی است زیرا بساط نظام سرمایه داری را بر میچیند و صورتبندی اجتماعی - اقتصادی نوینی بنام سوسیالیسم را

جانشین آن میکند. بقول مارکس این تحول حرکتی است از عرصه جبر به عرصه اختیار اردوگاه سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی در زمینه این نبرد عظیم طبقاتی نقش قاطع دارد.

سفسطه ایده نولو گهای بورژوا

ایده نولو گهای بورژوازی در هر دوی این زمینه ها سفسطه میکنند و مدعی هستند گویا انقلاب علمی و فنی جهان را «ایده نو لوژی زدائی» کرده، مبارزه طبقه ای را زائد ساخته و مسائل جهان را بدون مداخله این مبارزه حل میکند و گویا سرمایه داری در این زمینه قدرت انطباق و خلاقه بیشتری از سوسیالیسم نشان میدهد و حتی گویا کشورهای سوسیالیستی بیش از پیش از مغرب سرمایه داری عقب میمانند!

هر دوی این دعاوی غلط است. تحول قوای مولده بدون تحول مناسبات تولید کاری را نمیتواند حل کند. البته تحول قوای مولده در عصر انقلاب علمی و فنی معاصر کار را بجائی میرساند که مناسبات تولیدی سرمایه داری (بشابه مناسبات مبتنی بر تملک خصوصی افزار تولید) بیش از پیش از صحنه تاریخ رانده میشود، ولی بهر جهت مسئله اینجاست که این مناسبات که بر بنیاد تملک و تصرف خصوصی نتایج يك تولید بیش از پیش اجتماعی است نمیتواند در تاریخ دوام آورد. صحبت لیده نولوژی زدائی نیز سخن پوچی است. ایده نولوژی علمی بر لالیها تقطیر تجارب تاریخ معاصر است و آنرا نمیتوان از دماغ میلیون هائی که به برکت آن بزرگت در آمده اند زدود. زدودن این ایده نولوژی یعنی زدودن جامعه شناسی علمی. سفسطه هائی که بنام این ایده نولوژی گاه از چپ و گاه از راست میشود سرانجام به صخره استوار واقعیات برخورد خواهد خورد و خورد خواهد شد. این ادعا نیز که گویا سرمایه داری «قدرت انطباق و خلاقه» قوی تری در دوران انقلاب علمی و فنی نشان میدهد سخنی است بی پایه و آنکسی در انقلاب علمی و فنی پیروز میشود که قدرت تمرکز و شکل علمی، سرمایه گذاری نیرومند، تربیت وسیعتر کادر علمی و تجهیز نیرومند قوای انسانی از خود نشان دهد. حتی جامعه شناسان امریکائی که امروز از اجتماع «علمی» فردا که بنظر آنها بعد از «جامعه صنعتی» فرا میرسد، سخن میگویند بر آنند که اتحاد شوروی که ۴ برابر امریکا کادر علمی، فنی پرورش میدهد بیش از امریکا شانس تبدیل شدن بچنین جامعه ای را دارد. چراچیل سالها پیش درباره توفیق عظیم شوروی در تربیت کادر علمی به باختر زنهار باش داد. حتی این امریالیست فروت گویا متوجه بود که ورزش تاریخ از کدام سوز است لذا هر اسان بهیجان آمده بود.

روشن است که امریکا که مدتهاست به «گرزاندن مغزها» مشغول است و صد و پنجاه سال است در بستر نرم ثروت و صلح لمیده عجاتلادر برخی مسائل دارای امتیازاتی است. ولی «مرد آخرین مبارک بندها است» همان اتحاد شوروی که از سطح بدوی سال

دنباله از صفحه ۱

تأسیس انترناسیونال کمونیستی

کمونیست چند کشور تشکیل شد و در آن از ۳۹ حزب و گروه انقلابی کشورهای مختلف دعوت بعمل آمد که در گذرگاه مؤسسان انترناسیونال جدید بجای انترناسیونال دوم شرکت کنند.

گذرگاه مؤسسان کمینترن از ۲ تا ۶ مارس سال ۱۹۱۹ در مسکو برگزار شد و از آن پس تا سال ۱۹۳۵ شش گذرگاه دیگر هم تشکیل گردید. هفتمین گذرگاه کمینترن (ژوئیه - اوت ۱۹۳۵) حاضر اهمیت تاریخی عظیم است. در همین گذرگاه بود که استراتژی و تاکتیک احزاب کمونیست برای مبارزه علیه فاشیسم و پیشگیری جنگ جهانی جدید تنظیم گردید.

حزب کمونیست ایران از همان نخستین گذرگاه انترناسیونال کمونیستی به عضویت کمینترن در آمد و نمایندگان آن کار کمینترن و گذرگاه های آن شرکت فعال داشتند. کمینترن در دوران حیات پرافتخار خود با برقراری پیوند میان جنبش جهانی کارگری و مارکسیسم - لنینیسم رسالت تاریخی خود را در فاصله میان دو جنگ جهانی انجام داد.

در دوران جنگ دوم جهانی تنوع اوضاع و احوال کشورهای مختلف در وضع کمینترن بعنوان مرکز واحد مجموعه جنبش کمونیستی تغییرات اساسی بوجود آورد زیرا احزاب مختلف در شرایط بکلی متفاوت فعالیت میکردند. در چنین شرایطی رهبری جنبش جهانی از يك مرکز واحد نه تنها عاقلانیر ممکن بود بلکه صحیح هم نبود زیرا کار را به ایجاد تصمیماتی معیار با خصوصیات و شرایط عینی کشورهای مختلف میکشاند. با نجهت هیئت رئیسه کمیته اجرایی کمینترن در ماه مه سال ۱۹۴۳ با تصویب تمام شعب خود تصمیم به انحلال کمینترن گرفت.

جنبش جهانی کمونیستی طی ۵۰ سال که از تأسیس کمینترن میگردد تجربه فراوان اندوخته و نشان داده است که کمونیست ها فقط در شرایطی میتوانند پیروزی خود را تأمین کنند که بطور متحد و بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتاری عمل نمایند. برای اطلاع بیشتر خوانندگان از جوانب گوناگون فعالیت کمینترن دو مقاله مفصل در مجله «دنیای» و نشریه «مسائل بین المللی» منتشر خواهد شد.

های پس از جنگ داخلی بعد اعجاز آمیز امروزی رسیده، با تدارکات وسیع اجتماعی در زمینه ثروت بی مانند طبیعی خود که بطور عاقلانه هنوز دست نخورده است قادر است به اوجی شگرف برسد، این مطلب را چند دهه آینده چنان ثابت خواهد کرد که از بدیهیات همه فهم خواهد شد.

چنین است پایه يك ایمان علمی، ایمانی که نتیجه حساب و سالیوسی، نتیجه تعصب کور و سفیهانه نیست بلکه نتیجه درک واقعی قوانین حرکت جامعه معاصر است. باید با این ایمان مجهز شد و با این مشعل در تاریکی حرمانها و مشکلاتی که ما را در انحطاط معنی آزار میدهد پیش رفت. ۱. سپهر

صحنه هائی از زندگی مردم

بشهادات مطبوعات ایران

مشت نمونه خروار - عدم اجرای قانون کار - يك پزشك برای ۱۰۰۰۰ نفر - ۸ تومان دستمزد برای کار ۲۴ ساعته - مفهوم تازه ای از بیمه های اجتماعی - دکه های واژگون شده - کار تو انفرسای کودکان - پارک !! سلسبیل - مطبوعات و فیلم در خدمت ابتدال

مشت نمونه خروار

رژیم ایران مدعی است که با اجرای «انقلاب سفید» گویا کشور را دو قرن بجلو پرتاب نموده است ۱۱ با آنکه بعلت سانسور شدید سازمان امنیت، مندرجات مطبوعات ایران، انعکاس واقعی زندگی مردم نیست، ولی از خلال همین مطالب سانسور شده هم مشت های نمونه خروار فراوان است و ما می توانیم با نقل برخی از آنها، گوشه هائی از زندگی مردم را نشان دهیم ۱

عدم اجرای قانون کار

یکی از اصول «انقلاب سفید» بنا بر ادعای مکرر شاه، بهبود و اعتلاء زندگی کارگران است. اما واقعیت را از زبان یکی از نمایندگان حزب پان ایرانیست در مجلس بشنوید. روشن است که این افشاگری بهیچوجه ناشی از علاقه این حزب به زحمتکشان نیست، بلکه ناشی از سیاست سالوسانه هیئت حاکمه است که برای اغوای مردم و جلب آنان به این حزب دولتی، دست مطبوعات و نمایندگان آنرا در انتقاد از برخی جواب سیاست رژیم عمداً باز گذاشته است. نماینده حزب پان ایرانیست در شوال خود از وزیر کار میگوید:

«ده سال است این قانون (منظور قانون مربوط به حقوق و مزد کارگران ماهبگیر و ملاخان و کارکنان کشتی است) تصویب شده کو آئین نامه های مربوط به این قانون؟ کو آئین نامه مربوط به کارگران کشتی ها و بنادر؟ اینها ستکش ترین کارگران هستند، اینها رنج بزرگ میبرند، میله های بزرگ آهن را با شانه هایشان میآورند پائین، در کشتی ها دستشان قطع میشود، پایشان قطع میشود ولی آقایان هنوز قانون کار در مورد آنها اجرا نمیشود... (روزنامه خاک و خون ۳ آذر ۱۳۴۷)

يك پزشك برای ۱۰۰۰۰ نفر

وضع تأسف آور کارگران اراکی را بهنگام بیماری، مجله تهران مصور توصیف میکند: «درمانگاه بیمه های اجتماعی اراک فقط يك پزشك دارد که روزانه حبه اقل ۱۵۰ نفر مریض مراجعه کننده دارد، و ۱۵۰۰۰ کارگر اراکی و خانواده آنها فقط يك بیمارستان ۵ تختخوابی دارند. درآمدی که از محل ۱۸ درصد حقوق و مزایای کارگران بعنوان حق بیمه در ماه گرفته، میشود، در حدود ۱۵۰۰۰۰ تومان میشود، با اینحال آمبولانس ندارد و اگر احتیاج یابد بیماری بستری شود باید به تهران برود.

اعتراف به سوء استفاده مالکان بزرگ

طی ۶ ساله اجرای قانون اصلاحات ارضی ما بارها و بارها نوشته ایم و گفته ایم که مالکان بزرگ با سوء استفاده از ماده مربوط به «معافیت اراضی مکانیزه» توانسته اند با خرید پات تراکتور زمینیهای بهمنوری را از شمول قانون خارج نموده و برای خود نگاه دارند. اکنون تأیید این واقعیت را از زبان مجله دولتی «تلاش» که نسبت بین اراضی مکانیزه را با زمینهای که در آن تراکتور انداخته اند تا بجای مکانیزه جا بزنند نشان میدهد بشنوید:

«از ۶ میلیون هکتار اراضی زیر کشت فقط ۱۰۰ هزار هکتار آن مکانیزه است. اما مساحت اراضی که در کشور با تراکتور شخم میشود بین ۲ تا ۳ میلیون هکتار است.» (مجله تلاش - شماره ۱۳ آذر ۱۳۴۷)

معمولی ساخته اندو چند تا سرسره و میگویند در هوای خوش بچه ها دو پشته می ایستند و نوبت نمیرسد و تازه اینجا بهشت کودکان ایران است، زیرا هزارها کودک در روستا های کشور کارگاهها و کارخانه ها و زاغه های تهران در شرایطی برآب رقت بار تر بسر میبرند.

مطبوعات و فیلم در خدمت ابتدال

بسی مناسب نیست گوشه هائی از زندگی جوانان روشنفکر ایران و عدم رضایت آنانرا از مطبوعات مبتدل، فیلم های بازاری گرانی کتاب از زبان خودشان بشنویم. مجله «تلاش» مصاحبه ای با عده ای از دانشجویان نموده که در شماره آذر ۱۳۴۷ آن مجله درج است. يك دختر دانشجو در این مصاحبه میگوید: «مجله های نسل جوان را ورق بزنید، در آن مجله ها چیز هائی هست که دولت انتشار آنها را اجازه داده است. بیشتر مطالب این مجله ها، عبارتست از عکس عریان یا نیمه عریان هنر پیشه ها، داستانهای شهوانی و تباه کننده و باور کنید آدم حتی در تنهایی خجالت میکشد آنها را مطالعه کند. من از خودم شرم میکنم... اگر توجه کنید مسی بینید جلوی بعضی از سینما ها نوشته شده ورود کمتر از ۱۸ سال ممنوع. ولی اگر به سینما یا نهد، اغراق نیست بگوئیم که بالاتر از ۱۸ سال نخواهید یافت، و این يك وسیله تبلیغ شده برای صاحبان سرمایه ها...» همین دختر دانشجو در مورد ابتدال فیلم ها و گرانی کتاب میگوید:

«فیلم بیتل هارافورا به ایران میآورند ولی آیا شده يك فیلم علمی برای جوانان به نمایش بگذارند. صحبت از مطالعه میکنند ولی قیمت بعضی کتابها سرسام آور است و چگونه يك جوان که بخرج پدر و مادر زندگی میکند قادر است از کتب مختلف استفاده کند. طبیعی است اگر شوق و ذوقی هم باشد فرومی بزند...» با وجود چنین صحنه ها آیا میتوان مدعی شد که ایران دو قرن بجلو پرتاب شده است ۱۲

مینو

با پوشش

از خوانندگان گرامی

انتشار این شماره ماهنامه مردم به علت اشکالات به تأخیر افتاد.

که سرمایه هریک از آنها بیش از یکهزار ریال نیست اقدام کرده و در بسیاری از محلات دکه ها را واژگون ساخته اند» (اطلاعات ۱۸ آذر)

صاحبان دکه ها و افراد اتحادیه دکه داران میگویند، چون این دکه ها در برابر جواز و موافقت شهرداری بها داده شده، برداشتن آنها باید پس از جلب نظر و موافقت افراد اتحادیه باشد. ولی شهرداری را چه کار به نظر مردم، او بدون توجه بزندقی و کثرت خانواده ۲۵۰۰ بیخ فروش خوشحال است که گشایش معبر !! کرده است.

کار تو انفرسای کودکان

عدم اجرای قانون کار منحصر به کارگران بزرگسال نیست، بلکه خردسالان نیز از شمول قانون برکنار مانده اند. هزاران هزار کارگر کارگاههای قالی بافی کودکانی هستند که هنوز به سن ۱۲ سالگی نرسیده اند و طبق قانون کار، هیچ کار فرمائی حق استفاده از نیروی کار کودکان کمتر از ۱۲ سال را ندارد. ولی استفاده از نیروی کار کودکان کمتر از ۱۲ سال منحصر به کار فرمایان کارگاههای قالی بافی نیست در اکثریت مطلق کارگاهها و کارخانه های کشور کودکان کمتر از ۱۲ سال بادستمزد قبل به کارهای دشوار و جانفرسا اشتغال دارند. در یکی از جلسات اخیر مجلس شورا یکی از نمایندگان میگوید:

«اطفالی هستند کمتر از ۱۲ سال در مقابل کارخانه ها و کارگاهها، کارگرانی را می بیند که بتک روی سندان میگویند و پای کوره های ایستند و کارهای بسیار زجر آور و شاقی به آنها تحمیل میشود (خاک و خون - ۳ آذر ۱۳۴۷)

«پارک» !! سلسبیل

اطلاعات در شماره ۲۶ آذر خود، زندگی مردم غرب تهران یعنی مجله «سلسبیل» را اینطور توصیف میکند: خبر نگار اطلاعات مینویسد:

«يك خانه ۲۵ متری که يك زن و شوهر و ۵ بچه در آن زندگی میکنند. حیاط حوض دارد و حاشیه ای باریک که ما بر آن ایستاده ایم و بچه ها که می آیند حاشیه حیاط پر میشود» در يك کوچه سلسبیل ۱۱ هزار اکودک بدرسه میروند و با این وجود «در غرب تهران خبر از پارک نیست» فقط يك پارک کوچک، درست باندازه يك حیاط

کارگران بیمه شده اراک برای بیماری چشم باید به تهران بروند، زیرا حتی وسیله اولیه معاینه چشم هم موجود نیست (تهران مصور ۳ دی)

۸ تومان دستمزد برای کار ۲۴ ساعته

رژیم مدعی است که قانون کار در سراسر کشور اجرا میشود. بموجب قانون کار با تمام نقائص آن، کار روزانه کارگران به مدت ۸ ساعت تعیین شده. صرفنظر از آنکه در اکثریت قریب با اتفاق کارگاهها و کارخانه های شهرستانها این ماده از قانون کار بهیچوجه اجرا نمیشود. در قلب کشور، در مرکز تهران نیز قانون در بسیاری از موارد بلا اجرا مانده است.

مخبر روزنامه اطلاعات با کارگران میدان بار فروشها در تهران مصاحبه ای نموده. کارگران مشکلات عدیده کار خود را برای مخبر اطلاعات بازگو نموده اند و از جمله در جواب خبر نگار که می پرسد در روز چند ساعت کار میکنید میگویند ۲۴ ساعته وقتی از دستمزد آنها می پرسد میگویند روزانه بین ۸ تا ۱۰ تومان. (اطلاعات ۱۵ آذر ۱۳۴۷)

مفهوم تازه ای از «بیمه های اجتماعی»

قانون کار و بیمه های اجتماعی نه فقط جوابگویی نیازمندیهای کارگران در حین خدمت نیست، بلکه در سنین پیری بکلی از غم آنان غافل مانده است. شوال یکی از نمایندگان حزب پان ایرانیست از وزیر کار و امور اجتماعی این واقعیت را تأیید میکند: «کارگران پس از بازنشسته شدن از مزایای بیمه های اجتماعی محروم میشوند و دفترچه درمانی آنها پس گرفته میشود. باتوجه باینکه کارگر پس از سالیان متمادی در خدمت و در سنین پیری و پس از بازنشستگی احتیاج بیشتری به حمایت دستگاههای درمانی و بهداشتی دارد، چنین عمل دور از عدالت و مفهوم بیمه های اجتماعی را چگونه تعبیر میکنید؟ (خاک و خون ۵ آذر ۱۳۴۷)

دکه های واژگون شده

زندگی رقت بار برخی از صنوف زحمتکش نیز در پرتو «انقلاب سفید» شایان دقت است. اطلاعات تحت عنوان «دکه های واژگون» شکایت صنف بیخ فروش تهران را بشرح زیر درج نموده است: «دکه داران گفتند که مأموران شهرداری به استناد ماده قانون بسی آنکه تکلیفی برای کسب و کار ما و زندگی افراد خانواده صنف دکه دار تعیین کنند، برای جمع آوری دو هزار و پانصد دکه بیخ فروش

نظری به مناسبات اعراب و اسرائیل و بحران خاور میانه

مدرن ترین سلاحهای جنگی حتی سلاحهای هسته ای و صحبت از الحاق اسرائیل به پیمان نظامی آناتلیک شمالی هدفی جز تصاحب ابدی زمینهای اشغالی و ادامه توسعه طلبی اسرائیل در بر ندارد.

راههای رفع بحران خاور میانه

۱ اکنون این مسئله بصورت حادی مطرح است که برای پایان دادن باین بحران خطرناک که نقطه یک جنگ جهانی را در خود میبرد، چه باید کرد؟ چه راه حلهایی میتوان یافت که باین وضع پایان بخشد و آرامش را در این منطقه حساس جهان برقرار کند؟ بطوریکه معلوم است شورای امنیت سازمان ملل متحد با توافق آراء در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ قراری صادر کرد و بدنبال آن نماینده ای بنام دکتر یارینک مأمور مذاکره با کشورهای متخاصم برای فراهم آوردن مقامات اجرای این قرار شد. در این قرار تخلیه اراضی اشغالی پس از جنگ ۵ روزه ۱۹۶۷، تضمین مرزهای کشورهای این منطقه و حل مسئله بیت المقدس و آوارگان عرب پیش بینی شده است. در واقع شورای امنیت راه حلی سیاسی برای رفع بحران خاور میانه نشان داد. از این چهار کشور همسایه اسرائیل سه کشور از جمله مصر که بزرگترین کشور عربی این منطقه است با قبول قرار شورای امنیت با راه حل سیاسی این بحران موافقت کردند تنها کشور سوریه که آن نیز مستقیماً مورد تجاوز قرار گرفته

و قسمتی از خاک خود را از دست داده است از موافقت خود داری کرد، اما عدم موافقت سوریه بدان معنی نیست که سوریه از قبول یک راه حل عادلانه از طریق سیاسی سر باز میزند. در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۸ وزیر خارجه سوریه در باره طرح پیشنهادی اتحاد شوروی برای اجرای قرار شورای امنیت چنین اعلام کرد: «کوششهای این کشور (اتحاد شوروی) بهمان اندازه بر ارزش هستند که گمگهائی که این کشور دائماً بکشورهای عربی نموده است.» دولت فرانسه نیز پیشنهادی مبنی بر لزوم همکاری چهار قدرت بزرگ و دبیر کل سازمان ملل متحد بمنظور برقراری یک صلح عادلانه و مداوم در خاور میانه نمود که مورد توافق اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد قرار گرفت و اتحاد شوروی آمادگی خود را در اجرای این پیشنهاد که با کوشش آن دولت برای حل فوری بحران خاور میانه بطرفی صلح آمیز بر اساس تصمیم شورای امنیت توافق دارد، اعلام داشت. رئیس جمهوری مصر در ۲۰ ژانویه امسال هنگام

۱۳ ژانویه ضمن مصاحبه رادیویی اظهار کرد که: «من قبول دارم که باید از همکاری قدرتهای بزرگ برای تأمین پیشرفت صلح آمیز و عادلانه حل مسائل خاور میانه استقبال نمود.» بطور کلی صرف نظر از بعضی اختلافات که در بین نظرات کشورهای عربی وجود دارد، در مجموع خود مخالف با حل مسئله از طریق سیاسی بشعوی عادلانه نمیباشند.

روش اعضاء شورای امنیت

بدیهی است که در بین چهار قدرت بزرگ جهانی اعضای دائمی شورای امنیت، کشور اتحاد شوروی از همان آغاز تجاوز اسرائیل باعزاز تمام کوشش خود را بکار برده و میبرد تا از طریق سیاسی بحران خاور میانه پایان یابد. مناطق اشغالی از طرف اسرائیل بکشورهای اصلی خود باز گردید و اختلافات موجود بین اعراب و اسرائیل با تضمین مرزهای آنها و حل مسئله اعراب رانده شده از فلسطین بشعوی عادلانه، مرتفع شود و بدین طریق یکی از گانونهای خطرناک جنگ جهانی از بین برود. دولت فرانسه نیز در طول زمان بعزت رویه خشونت آمیز و تجاوز کارانه اسرائیل که بهیچوجه حاضر بقبول راه حل شورای امنیت نیست، سیاست بالنسبه قاطع مبنی بر منع صدور اسلحه به اسرائیل و کوشش برای جلب همکاری چهار قدرت بزرگ و سازمان ملل بمنظور حل بحران از طریق سیاسی اتخاذ کرد. رویه انگلستان و آمریکا در تمام مدت این بحران دو رویی و بازی دو گانه بوده است امیرالایسم آمریکا تحت تأثیر فشار افکار عمومی جهان بقرار شورای امنیت رأی داد ولی در پشت پرده و در عمل از اسرائیل حمایت و آنرا تشویق نمود هنگام انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا هر دو نامزد چه همفرو و چه نیکسون پشتیبانی خود را از اسرائیل اعلام داشتند. نتیجه سیاست مزورانه آمریکا این بود که کوشش دکتر یارینک نماینده سازمان ملل بجائی نرسید و اسرائیل از این نظر که باید هر یک از کشورهای عربی جدا گانه و مستقیم وارد مذاکره شوند، دست برنداشت. حقیقت اینست که اسرائیل از وقت گذرانی برای تثبیت قدرت خود در مناطق اشغالی استفاده میکند همچنانکه دو بار دیگر این سیاست را اجرا کرد. یکبار برای تصرف خاک فلسطین و بار دیگر برای تصرف ندر ایلات در خلیج عقبه.

اسرائیل وخامت را تشدید میکند

از تجاعی ترین محافل اسرائیل طرفدار تشدید بحران، حفظ تمام مناطق اشغالی و آماده کردن اسرائیل برای تجاوز تازه ای هستند. روشه دایان در جواب یکی از خبرنگاران در امریکا که پرسید آیا صحیح است که اسرائیل حاضر است بخشی از زمینهای اشغالی را باز پس دهد، گفت «خوب بود من میدانم کدام احمق چنین حرفی زده است.» ابا ابان، وزیر خارجه اسرائیل در مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ در ۱۵ نوامبر گذشته باین سؤال که آیا از طریق شورای امنیت و یا همکاری چهار کشور بزرگ طبق پیشنهاد فرانسه امکان حل بحران وجود دارد جواب داد که: «ابداً! خیر! تحت هیچگونه شرایطی قابل قبول نیست.» بدیهی است که این محافل بدون داشتن پشت گرمی در محافل تندرو امیرالیستی آمریکا و آلمان غربی با چنین غرور و شدتی راه حل سیاسی بحران را رد نمیکنند. نتیجه طبیعی چنین سیاستی از طرف اسرائیل یا باید تسلیم بلا شرط اعراب و یا برانگیختن هر چه بیشتر آنها بتوسل به زور و اسلحه و در یک کلام ادامه وخامت اوضاع باشد و چون مسلم است که اعراب از حقوق مسلم خود صرف نظر نخواهند کرد و با تمام وسائل از خود دفاع خواهند نمود لذا اوضاع وخیم تر و بحران تشدید خواهد شد جالب توجه است که گروه مائوتسه تونگ نیز از این سیاست اسرائیل نهایت رضایت را دارند زیرا آنها با کمال صراحت هر گونه راه حل سیاسی را رد کرده و کوشش میکنند که افکار عمومی کشورهای عربی را بسوی حل نظامی سوق دهند و هر چه بیشتر بحران را تشدید نمایند. روزنامه ژین مین ژیبائو در ۶ ژانویه نظر حکومت پکن را چنین بیان میکند: «این باصطلاح حل سیاسی... ملل عربی را پشت تاریکی قرار نخواهد داد. افکار عمومی کشورهای عربی نشان میدهد که تنها راه صحیح مبارزه علیه تجاوز ادامه مبارزه سرسختانه و مسلحانه است. افکار عمومی علیه این بازی شومی است که امیرالیستهای امریکائی و روزیونیستهای شوروی با «حل سیاسی» میکنند» در واقع پکن و هارترین محافل اسرائیلی و امریکائی در یک جبهه سیاسی قرار دارند برای پکن مسئله مهم وجود بحران و تشدید آن ولو بقیمت خطر آنچنان وخامتی است که اتحاد شوروی و آمریکا را در جهت برخورد نظامی سوق دهد. پکن خوب میداند که تنها شوروی بود که توانست با اقدامات سیاسی خود پیشرفت برق آسای نیروهای اسرائیل را در کشورهای عربی متوقف کند و پکن نه قادر بود و نه میخواست که جلو متجاوز گرفته شود لذا توقف نیروهای اسرائیل و آتش بس را بعنوان خیانت بملل عربی تلقی و اعلام کرد!!

اینقرارد: کشورهای عربی متخاصم که هم مرز اسرائیل هستند تمام ضایعات جنگ را در نتیجه کمک فوری اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی جبران کرده اند ارتش های این کشورها بخصوص مصر تجدید سازمان کرده و در طول زمان کیفیت آنها بالا رفته است مقاومت اعراب در مناطق اشغالی بطور روز افزونی تشدید شده است. افکار عمومی جهان علیرغم تبلیغات شدید صهیونیستها در اروپا و آمریکا خواهان حل مسالمت آمیز و عادلانه بحران است. اتحاد شوروی با تمام قوا کوشش میکند که از طریق سیاسی قرار شورای امنیت اجرا گردد، در انگلستان و آمریکا محافل معتدل تر و معقول تری وجود دارند که توسعه کانون خطر جنگ در خاور میانه و ادامه بحران را حتی بنفع انحصارهای نفتی نمیدانند، در اسرائیل نیز بتدریج این مسئله درک میشود که با وجود پشتیبانی بدریغ کشور نیروی چون اتحاد شوروی علیرغم پیشرفتهای موقتی نظامی اسرائیل، ملل عرب که امروز بیش از هر وقت آماده دفاع از حقوق خود شده اند، بلعیدن اراضی اشغالی و توسعه تجاوز امکان پذیر نیست. بر اساس چنین واقعیاتی است که نیکسون رئیس جمهور آمریکا در مذاکرات خود با دو گلی پیشنهاد فرانسه را مورد قبول قرار داد و بار دیگر یارینک روانه خاور میانه شد تا مذاکرات خود را با کشورهای متخاصم از نو آغاز کند. اسرائیل باید مناطق اشغالی را تخلیه نماید، مسئله آوارگان باید بطرز عادلانه حل شود، مرزهای کشورهای این منطقه از جمله اسرائیل از طرف خود کشورها و چهار قدرت بزرگ جهانی و سازمان ملل متحد تضمین گردد. تا باین بحران که فقط بسود محافل جنگ طلب امیرالیستی و ماجراجویان چینی خاتمه داده شود. تکامل حوادث هم در حال حاضر در چنین جهتی است.

۱. گویا

کهنه چاپلوس

از سخنان مسعودی مدیر اطلاعات در وصف شاهنشاه آریامهر: «بزرگترین نامه های عالم سخنان شاهنشاه را باخط درشت دردفتر خود یادداشت میکنند» چه خوب شد جناب آقای ستانور برای جلوگیری از هرگونه اشتباهی تصریح فرموده اند که نه فقط نامه های عالم، بلکه بزرگترین آنها، نه فقط باخط ریز بلکه با خط درشت، نه فقط در دفتر بلکه در دفاتر خود یادداشت میکنند.

تغییر آدرس رادیو پیک ایران

هموطنان عزیز! رفقای حزبی! به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو پیک ایران ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

برخی از جوانب مبارزات زنان ایران در راه برابری حقوق

زن و دختر کارگر، دهقان، خانه‌دار، معلم، دانشجو، پرستار و کارمند را به مبارزه صنفی و سیاسی کشاند. مبارزات پر دامنه زنان و دختران در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۲ از درخشانترین صفحات تاریخ مبارزه زنان در قرن اخیر است. مبلغان رژیم به عمد میکوشید تا پیشینه طولانی مبارزات زنان را منگوشوند و چند گام عقب نشینی سالهای اخیر را بحساب «عطیه ملوکانه» بگذارند. اما اکثریت مردم ایران مبارزات زنان را اقل در ۱۰-۲۰ سال قبل از کودتای فراموش نکرده اند، فراموش نکرده اند که هر روز در گوشه و کنار کشور تعداد زیادی از زنان و دختران بجرم شرکت در اعتصابات کارخانه ها برای تساوی دستمزد و شرایط عادلانه کار، شرکت در مبارزات دهقانان علیه ستم ارباب و ظلم ژاندارم، شرکت در میتینگهای انتخاباتی برای تأمین حق رأی، شرکت در دموکراسیونهای عظیم صلح، شرکت در تظاهرات وسیع علیه ارتجاع و امپریالیسم بدست مأموران پلیس، کارآگاهی و ارتش مضروب و مجروح یا توقیف و زندانی میشدند. شعار تساوی حقوق زن و مرد که امروز تظاهر به آن از افتخارات هیئت حاکمه است از اصیل ترین شعارهای حزب ماست که حاملین آن تا چند سال پیش چون منادیان کفر و زندقه بدست مأموران شاه عقوبت میشدند. برای رد دعاوی کسانی که حق رأی زنان را از ابتکارات شاهنشاهی میدانند کافی است یاد آور شویم که از بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون، در بیش از ۸۰ کشور، زنان حق رأی بدست آورده اند و اتفاقاً مقاومت رژیم ضد دموکراتیک ایران در برابر این خواست منطقی موجب شد که ایران در رتبه آخرین کشورهای قرار گیرد که حق رأی زنان را برسمیت شناخته اند.

بطان دعای رژیم مدعی است که گویا با شناختن حق رأی و

برخی تغییرات در قانون مدنی نهضت زنان به هدفهای عالی خود نائل آمده است و زنان ایران از عالیترین و کاملترین حقوق اجتماعی بهره مند میباشند (اطلاعات ۶ مارس ۱۳۴۶) این ادعا بوج بدون محتوی و گمراه کننده است. آنچه بدیهی است آنست که هدفهای عالی نهضت زنان ایران از نظر حزب ما که برچمدار مارکسیسم-لنینیسم است فقط هنگامی بطور کامل تحقق خواهد یافت که تحولات بنیادی در نظام اجتماعی کشور ما پدید آید. پیشرفتهای خیره کننده زنان در کشور اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی به درخشانترین وجهی اثبات کرده است که زنان فقط در سایه استقرار سوسیالیسم به برابری کامل خواهند رسید. برای نمونه فقط به ارائه چند فاکت اکتفا مبروریم:

در شورای عالی اتحاد شوروی ۲۸ مرداد کل نمایندگان زن هستند. این رقم حتی بیش از تعداد نمایندگان زن در کلیه کشور

های سرمایه داری است. ریاست ۶ جمهوری خود مختار شوروی را زنان بعهده دارند و از ۱۵ وزیر خدمات اجتماعی در جمهوری شوروی ۱۰ نفر زن هستند. در اتحاد شوروی ۷۳ درصد پزشکان را زنان تشکیل میدهند ولی در آمریکا فقط ۷ درصد. یک سوم مهندسان شوروی، ۶۰ درصد کارشناسان اقتصاد و ۴۵ درصد دانشمندان شوروی را زنان تشکیل میدهند. والتینا ترشکوا نخستین زن فضا نورد از میان زنان کشور شوروی بر خاسته و هم اکنون برای پرواز های آینده تحقیقات فضائی گروهی از زنان تحت تعلیم هستند. در مغارستان از هر ۱۰۰ دادستان و قاضی ۶۵ نفر آنها زن هستند، در جمهوری دموکراتیک آلمان یک سوم کرسی های نمایندگی مجلس به زنان تعلق دارد. در کشور مغولستان نیمی از کارکنان مؤسسات صنعتی را زنان تشکیل میدهند و در بزرگترین مؤسسه صنعتی مغولستان ۶۰ درصد کارکنان زن هستند. در سایر کشورهای سوسیالیستی نیز پیشرفت زنان چشمگیر و خیره کننده است. بنا بر این اقدامات سطحی و ناقص رژیم نه تنها «تحقق هدفهای عالی نهضت زنان» نیست، بلکه حتی در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری هم، برابری کامل حقوق برای زن و مرد وجود ندارد. تضمین کننده رهائی کامل زن در گرو تحول بنیادی در نظام اجتماعی ایران است. این شعار استراتژیک ماست که در راه تحقق آن مبارزه میکنیم. ولی این بدان معنی نیست که ما از وظایف عاجل و تاکتیکی خود در برابر جنبش مترقی زنان غافل بمانیم فقط بر روی شعار استراتژیک خود تکیه کنیم، زنان را از مبارزه در راه شعارهایی که به تجهیز و تشکل آنان کمک میکند باز داریم و فقط بکراه و آنهم راه «انقلاب مسلحانه» را به آنها نشان دهیم. «چپ رو» ها میگویند «راهی جز انقلاب مسلحانه برای زنان زحمتکش وجود ندارد» ولی نمیگویند که تا نضج شرایط لازم برای انقلاب مسلحانه زنان چه وظایفی را باید انجام دهند؟ بایش کشیدن خواستههای صنفی و مبارزه در راه آن میتوان و باید آگاهی سیاسی زنان را بالا برد و قشر پیشرو آنها را به مبارزه سیاسی جلب کرد.

نه تسلیم به دعاوی زنان و دخترانی که با وجود سلطه استبداد و نه انقلاب مسلحانه در کارگاهها و کارخانه ها، روستاها، دانشگاهها، ادارات و مؤسسات دولتی، در سازمانهای موجود زنان ولو بطور محدود مبارزه میکنند عملاً نشان داده اند که نه مقنون دعاوی رژیم شده اند و نه شعار «انقلاب مسلحانه» را در شرایط مشخص کنونی واقعی میدانند. زنان پیشرو و مترقی بدورستی دریافته اند که باید با حد اکثر استفاده از امکانات علنی و بکار بردن اشکال و شیوه های گوناگون مبارزه و یافتن تجهیز کننده

انتخابات انجمنهای دانشجویی

دانشجویی بچاره جوئی برخاستند و ناگهان شاه، فردیکه بارها فریادهای خشم دانشجویان را بزور سر نیزه خاموش کرده است، این بار برچمدار «انقلاب آموزشی» شد. قطعنامه پشت قطعنامه و سند پشت سند صادر گردید. برای آنکه جنبش دانشجویان ایران، از موج جنبش دانشجویی در کشورهای سرمایه داری و نو استقلال و نیمه مستعمره برکنار بماند، ناگهان «خواستهای» دانشجویان از دهان شاه بیرون میآید، او دستور میدهد که مشکل شهری «حل» شود و انجمنهای دانشجویی فوراً تشکیل گردد. دانشجویان چنانکه در شماره ۴۵ مردم توضیح دادیم، دیدند که مشکل شهری چه چگونه «حل» شد و موضوع انتخابات انجمنها باقی ماند که آنهم «بخوبی و خوشی» برگزار گردید.

کنفرانس رامسر، مقررات اساسنامه مربوط به تشکیل انجمنهای صنفی دانشجویی را در سند ضمیمه قطعنامه کنفرانس اعلام نمود. در این سند سعی شده است که انجمن های دانشجویی سدی در برابر جنبش دانشجویی گردند و مقام آنها تنزل یابد و تابع مقامات ترین شعارها دامنه مبارزه را در میان قشرهای مختلف زنان بسط دهند. در حقیقت هم مبارزه عرصه ای وسیع و اشکالی متنوع دارد. محرومیت دو گانه زنان در اجتماع و خانواده یافتن تجهیز کننده ترین شعارها را برای جلب قشرهای وسیع زنان آسان میکند و اشکال آنرا متنوع میسازد. باید با طرح اینگونه شعارها هر چه بیشتر شوق مبارزه را در زنان برانگیخت. سازمانهای موجود زنان علیرغم جوانب ارتجاعی آنها، عرصه ای است قانونی برای طرح این شعارها. نادرست است که شرکت در سازمانهای موجود را به آن علت که گردانندگانشان در بسیاری و یا زیر نفوذ دربارند تحریم کرد. و باید روزی نشست که اوضاع و احوال امکان مبارزه را برای سازمانهای واقعی زنان فراهم آورد. مبارزه برای ایجاد سازمانهای واقعی زنان هرگز منتفی نیست. اما این مبارزه نباید از مبارزه برای تبدیل همین سازمانها به سازمانهای واقعی جدا باشد. برای اینکه سازمانهای موجود مجبور به مبارزه در راه خواستههای منطقی زنان شوند شرکت هر چه بیشتر توده زنان در آنها و طرح خواستههای ضروری است. نباید اجازه داد که فعالیت این سازمانها، آنطور که دربار مایل است در چارچوب اقدامات جزئی مبارزه با بیسوادی و پرداختن به امور خیریه محدود بماند. باید با فعالیت مستمر، این سازمانها را بسوی مبارزه واقعی در راه برابری حقوق سوق داد. بر خلاف دعاوی پر سر و صدای رژیم، آزادی واقعی برای زنان ایران وجود ندارد و تا آزادی واقعی هنوز مجاهدات فراوان در پیش است. ما بنا بر شعار هشتم مارس «کلیه زنان ایران، معتقدیم که زنان مترقی باید با توجه به اهمیت خطر مسئولیت خود در این مجاهدات پیشگام باشند.

دنباله از صفحه ۱

کنگره جهانی زنان

در راه استقلال ملی و صلح و برقراری دموکراسی کمک خواهد کرد و این عوامل را ضامن اصلی تأمین حقوق زنان میدانند. زنان مترقی ایران وظیفه دارند در این مجمع مهم جهانی برای نشان دادن وضع زن ایرانی که دچار ستم و محرومیت دو گانه صنفی و اجتماعی است شرکت جویند و شعارهای نیم بند «اصلاحاتی» رژیم را افشاء کنند و شعارهای درست و بیکر تشکیل و مبارزه زن ایرانی را برای رهایی از فید محرومیتهای صنفی و اجتماعی مطرح سازند.

دانشگاهی شوند. همچنین حقوق و وظایف آنها بحد اقل تنزل یابد. گردانندگان کنفرانس رامسر مقررات انتخابات نمایندگان دانشجویان را بطوری تدوین کرده اند که انتخابات کنند. دارا بودن معدل «ب» (معدل ۱۴ بیلا) نداشتن سابقه محکومیت، دارا بودن صلاحیت اخلاقی؟ باین ترتیب نه تنها عده ای بعلت نداشتن معدل ب محروم خواهند شد، بلکه مقامات دانشگاه میتوانند هر کسی را که بخواهند بیهانه داشتن سابقه محکومیت یا «صلاحیت اخلاقی» از حق انتخاب شدن محروم کنند. در انتخابات اخیر حتی این مقررات را نیز کافی ندانسته و موانع دیگری را نیز بوجود آوردند. مثلاً انتخابات دانشکده ها در یکروز صورت نگرفت تا در مقابل اعتراض متحد دانشجویان قرار نگردد، یا لیست نامزدها از پیش تعیین شده و روز قبل از انجام انتخابات با اطلاع دانشجویان رسانده شد. در جریان برگزاری انتخابات تراکنهای زیادی از طرف دانشجویان پیش شد. در یکی از این تراکنها از جمله گفته شده بود «دوستان دانشجو! سازمان صنفی بیابگر خواسته های شماست، نگذارید مهره های بی اراده مقامات دانشگاه سر نوشت تحصیلی شما را تعیین کنند...» مقررات غیر دموکراتیک و موانع ضد دانشجویی باعث شد که دانشجویان عملاً نتوانند در انتخابات شرکت کنند و آنوقت اولیای امور این عدم شرکت را که خود موانع آنرا بوجود آورده بودند طبق معمول ناشی از «عدم علاقه دانشجویان به شرکت در امور اجتماعی» دانستند.

در مرحله فملی دانشجویان برای تبدیل سازمان فملی دانشجویی، یک سازمان واقعی دانشجویی مبارزه میکنند و قبل از هر چیز دانشجویان را برای لغو مقررات غیر دموکراتیک انتخابات، بسیج مینمایند. دانشجویان میگویند همه دانشجویان حق دارند در انتخابات شرکت کنند و انتخاب شوند، تشخیص دانشجویان در مورد صلاحیت اخلاقی نمایندگان منتخب خود کفایت، و اراده اکثریت دانشجویان بهترین ملاک تعیین صلاحیت نمایندگان آنها است. دانشجویان آگاه دانشگاه از هم اکنون با مبارزه بیگم و فعال خود برای انتخابات آینده آماده میشوند و برای تبدیل انجمنهای صنفی دانشجویی به مظهر اراده اکثریت دانشجویان تلاش مینمایند. اتحاد و مبارزه ضامن پیروزی دانشجویان است.

دنباله از صفحه ۱

کنگره جهانی زنان

در راه استقلال ملی و صلح و برقراری دموکراسی کمک خواهد کرد و این عوامل را ضامن اصلی تأمین حقوق زنان میدانند. زنان مترقی ایران وظیفه دارند در این مجمع مهم جهانی برای نشان دادن وضع زن ایرانی که دچار ستم و محرومیت دو گانه صنفی و اجتماعی است شرکت جویند و شعارهای نیم بند «اصلاحاتی» رژیم را افشاء کنند و شعارهای درست و بیکر تشکیل و مبارزه زن ایرانی را برای رهایی از فید محرومیتهای صنفی و اجتماعی مطرح سازند.

گزارش آقای لوئیجی کاوالیری

در باره «دادرسی» چهارده تن از روشنفکران ایرانی

در دادگاه نظامی تهران

جمعیت حقوقدانان دموکرات، خلاصه ای از گزارش آقای لوئیجی کاوالیری وکیل دادگستری رم را که بعنوان ناظر این جمعیت در محاکمه ۱۴ روشنفکر ایرانی (۳۰ دسامبر ۱۹۶۸ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۶۹) در دادگاه نظامی تهران، پایتخت ایران، نشر داده است. ما عین مطالب منتشره را ترجمه و در اختیار خوانندگان می گذاریم. بار دیگر تصریح میکنیم که دفاع از حقوق دموکراتیک کلیه کسانی که مورد تجاوز و خود سری دستگاه جابر رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک قرار میگیرند وظیفه ماست و ما این وظیفه را صرف نظر از عقاید و افکار کسانی که قربانی خود سری قرار میگیرند و موافقت و یا مخالفت حزب خود با این افکار انجام میدهم.

ماههای سکوت

در آغاز سال ۱۹۶۸ پلیس سیاسی ایران (ساواک) متهمین را دستگیر کرد. ماهها مقامات دولتی در باره این بازداشتها و تدارک دادرسی ساکت بودند. مطبوعات ایران تنها روز گشایش دادرسی از آن سخن گفتند. جمعیت حقوقدانان در اواسط نوامبر از منابع موثق اطلاع یافت که ۱۷ تن روشنفکر بازداشت شده بدادگاه نظامی تهران جلب خواهند شد و موافق ماده ۳۱۷ قانون جزائی ارتش و اتهام توطئه علیه رژیم و کوشش برای تغییر رژیم سلطنت و تحریک مردم به شورش علیه آن برای آنها تقاضای اعدام خواهد شد.

از آنجا که مقامات ایرانی در این باره ساکت بودند جمعیت حقوقدانان آقای «آندره تاس» وکیل دادگستری بروکسل را مأمور کرد برای کسب اطلاع به ایران برود. آقای آندره تاس ۲۷ نوامبر وارد تهران شد. پس از چند روز اقدام یک سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه تأیید کرد که دادرسی در شرف تکوین است. با اینحال سخنگوی نامبرده به دادن اطلاعات زیرین اکتفا ورزید؛ بازجویی خاتمه یافته است؛ ۱۴ نفر متهم هستند نه ۱۷ نفر؛ رؤسای متهمین هنوز شناخته شده نیستند؛ هنوز نمیتوان نام متهمین را پخش کرد؛ متهمین هنوز نتوانسته اند مدافعین خود را معین کنند؛ دادرسی علنی خواهد بود؛ مقامات دولتی ایران علاقمند احترام به اصول اعلامیه حقوق بشرند؛ ناظران قضائی میتوانند در دادگاه شرکت کنند.

سه هفته بعد از این اظهارات هیچ اطلاع دقیق و تازه ای بدست نیامد. جمعیت حقوقدانان از آقای کاوالیری خواست که در آستان سال نو برای کسب اطلاع به تهران برود و اگر ممکن باشد در دادرسی حضور یابد.

گشایش دادرسی

آقای کاوالیری پس از ورود به تهران مشاهده کرد که نه در مطبوعات و نه در محافل سیاسی هیچگونه اطلاعی نمیتوان بدست آورد. پس از اقدام در وزارت امور خارجه با معاون وزارت اطلاعات ملاقات کرد که سرانجام بوی اعلام داشت که دادسی روز ۳۰ دسامبر افتتاح خواهد یافت و بوی اطمینان داد که پروانه ورود دائم برای حضور در جلسات برای

ایرادات و کسالی مدافع را رد کرد و اعلام داشت که مطلب باید به دادگاه احاله شود. راجع به مخدوش بودن برخی از صورتجلسات گفت برخی امضاهاى متهمین از این صورتجلسات بدون آنکه قاضی تحقیق سندی دائر به توضیح علت حذف بودن امضاء ارائه کند پاك شده است و بدینسان دادستان عملاً وارد بودن اظهارات و کلاهی مدافع را در باره نادرستی بسیاری از صورتجلسات پذیرفته است.

فقدان دلایل و گواهان

در جریان رسیدگی ماهوی که در چهارمین جلسه آغاز شد متهمین موارد گوناگون اتهام را رد کردند. بر گه های اتهام که عبارت بود از چهار روز لور، دو جفت دستکش بوکس، دو افزار مکانیکی، دو وزنه، سه شناسنامه و سه گذرنامه با شدت اتهامات وارده تناسبی نداشته است. صورت جلسات مربوط به ورود در منازل متهمین به توقیف اثاثیه خانه اکتفا میکند و تفتیش خانه ها منجر به ضبط مقداری کتب فنی و فرتیسی که آزادانه در تهران بفروش میرسد شده است. فقدان دلایل کاملاً نظر گیر بود. باید متذکر شد که حتی در جریان بازجوییهای مربوط به سازمان امنیت هیچگونه گواهی احضار نگردیده است.

حکم دادگاه

سرانجام پس از دو هفته جلسه، دادگاه نظامی بیژن جزئی را به ۱۵ سال حبس محکوم کرد. ۷ متهم دیگر به مجازات ده سال زندان و ۶ متهم دیگر بمجازاتهای از ۳ تا ۸ سال زندان محکوم شدند. این مجازاتها بسیار سنگین است. با اینحال باید گفت در آغاز برای هشت متهم تقاضای مجازات اعدام شده بود.

آقای «کاوالیری» در نتیجه گیری از گزارش خود تأکید میکند که حضور ناظران خارجی و مطبوعات بین المللی، اقدام شخصیتها و سازمانهای جهان تأثیر معین بر ضد خودسری کامل در مورد محاکمات سیاسی و اجرایی اصول حقوقی دارد.

و اما در باره محاکمه تجدید نظر ۱۴ روشنفکر ایرانی و دادرسی های دیگری از این نوع و بطور عموم وضع زندانیان سیاسی لازم است که حقوقدانان بویژه از طریق ابتکارات و مداخلات خود باین نتیجه دست یابند که به موازین قانون اساسی و اصول اعلامیه حقوق بشر احترام اکتفا نداشته شود؛ زندانیان سیاسی آزاد گردند و فشار و تضییق متوقف شود.

ارزیابی يك ملت

از نظر امیرالبسم امریکا

مشورتهایی که در ترکیه به مناسبت رفتن ناوگان ششم امریکا باین کشور رخ داده است برای بسیاری از امریکاییها زنده بوده و آنرا مثال عینی از روش آن سگی دانستند که دست کسی را که باو غذا میدهد و از او دفاع میکند گاز بگیرد. این شورش يك اشعیه بود.

(سردبانه نیویورک هرالد تریبون - ۱۹ فوریه ۱۹۶۹)

از افسران در نظر گرفته شدند. تنها ۱۰ روز قبل از گشایش دادرسی متهمین امکان یافتند با و کلاهی تسخیری خود تماس بگیرند.

شایان ذکر است که یکی از وکلای مدافع بنام سرهنگ بهره وری علیرغم اعلام سریعش در باره دفاع از برخی از متهمین بدون تشکیل هیئت مدافعه و بدون وکیل مدافع کمکی یا جانشین، به محض اینکه سخنان خود را به پایان رسانید تالار دادگاه را ترک کرد و در دفاعیه همکاران خودش و حتی در دفاع از موکلین خودش حضور نیافت.

بازداشت خودسرانه

جزء ایرادات بدوی از طرف وکلای مدافع، مخدوش بودن عمل بازداشت بیش از ۲۴ ساعت بدون صدور حکم بازداشت و بدون بازجویی مطرح شد. این بازداشت خودسرانه مدت طولانی ادامه یافته و این عمل نقض مقررات اصول محاکماتی ایران و همچنین ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر است.

سوء رفتار و شکنجه ها

۱۰ تن از متهمین در باره وجود شکنجه و سوء رفتار که خود در جریان بازداشت علیرغم ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر در معرض آن قرار گرفته بودند اظهاراتی کردند. گفته شد که قبلاً اعتراضاتی در این باره انجام گرفته است که در اسناد دادگاه ضبط است یکی از متهمین بنام ظریفی متذکر گردید که او را دوازده روز در نتیجه زخم هائی که بر اثر شکنجه داشته ناگزیر در بیمارستان خوابانند. ۹ تن دیگر از متهمین نیز تصریح کردند که اظهارات آنها به زور شکنجه از آنها گرفته شده و آنها بعداً این اظهارات را تکذیب کردند. از اظهارات برخی متهمین و تاس آقای کاوالیری با برخی از آنها این نتیجه حاصل میشود که تعویق امر محاکمه بدین علت بوده است که میخواهند کلیه آثار شکنجه از بین برود.

از جمله سوء رفتاری که با متهمین شده است نکات زیرین ذکر شده است؛ ادامه بازجویی تا مدت ۵۰ ساعت قرار دادن متهمین در حبس مجرد بدت ۲۰ روز بکار بردن حلقهات فولادین برای فشردن اعضا سوزاندن دردناک بدن.

بی نظمیهای دیگر در جریان تحقیق

در دادگاه همچنین مخدوش بودن تعدادی از صورت جلسات یاد آوردی گردید، نه تنها بدین سبب که «ساواک» آنها را تنظیم کرده است و نه قاضی تحقیق، بلکه همچنین بدان دلیل که این اسناد نه تاریخ دارند و نه امضاء و حتی نام طرف بازجویی در اسناد ذکر نشده است. برخی از صورت جلسات دارای امضاء متهم نیست برخی دیگر را بطور جمعی برای عده ای از متهمین بدون مراعات مقررات دادرسی و با نقض ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر تنظیم کرده اند.

در عین حال باید متذکر شد که دادستان در این باره اظهاراتی نکرده است. در این باره نیز اظهاراتی نکرده است.

در این باره نیز اظهاراتی نکرده است. در این باره نیز اظهاراتی نکرده است.

وی دریافت خواهد کرد.

مطبوعات ایران تنها روز گشایش دادرسی آنرا اعلام داشتند.

دادرسی در یک بنای بزرگ نظامی در شیران جریان یافت. تالار دادرسی وسیع نبود و بسختی میتوانست اعضاء دادگاه و ۱۴ متهم و سه وکیل مدافع و چند ناظر و روزنامه نگار و دو خویشاوند از هر متهم و مأمورین انتظامی را در خود جای دهد. علاوه بر نماینده جمعیت حقوقدانان دو حقوقدان خارجی در این دادرسی حاضر بودند؛ یکی خانم اجسن نماینده کمیته بین المللی بشودگی و دیگری آقای ویلیام ویلسن وکیل مجلس انگلستان از حزب کارگر.

ناظران، روزنامه نگاران و خویشاوندان و دیگران تنها پس از دریافت پروانه ورود که بزحمت انجام میگرفت قادر بودند در جلسه دادرسی حضور یابند و این امر با اصل علنیّت دادرسی که ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر آنرا تصریح میکند منافات دارد.

هویت متهمین

متهمین عبارت بودند از آقایان کلاتری (تکنیسین رادیو)، جزئی (کارمند سازمان سینمایی)، ظریفی (وکیل دادگستری)، کیا نژاد (مهندس مکانیک)، جوان زاده (معمار) شهر زاد (دارو ساز) سورگی (کارمند بانک مرکزی)، زاهدیان (حسابدار)، سرمدی (کارمند روزنامه)، افشار (معلم)، ایزدی (کارمند بانک کشاورزی)، احسن (دبیر)، رشیدی (مهندس)، نگهبان (دانشجو).

عدم صلاحیت دادگاه

به محض گشایش دادرسی متهمین به صلاحیت دادگاه نظامی و فقدان هیئت منصفه بااستناد مواد ۱۰ و ۷۶ و ۷۹ قانون اساسی ایران اعتراض کردند. طبق این مواد جرائم سیاسی و مطبوعاتی در صلاحیت دادگاه عادی جزائی با حضور هیئت منصفه است و در صلاحیت دادگاه نظامی نیست.

حقوق دفاع

متهمین بر خلاف تضمین هائی که از طرف حقوق مربوط به دفاع مندرجه در ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر داده شده موفق نشدند آزادانه و کلاهی مدافع خود را انتخاب کنند. آنها مجبور بودند که از روی يك فهرست ۳۹ افسر عالی رتبه باز نشسته و کلاهی تسخیری برای خویش برگزینند و بدین ترتیب سه تن